ادامه از صفحه ۹

امضا می‌دهیم همه مسوولیت‌ها گردن کارگردان است

ایوانف در میان این نمایش‌هایی که تا به حال روی صحنه بردید تقریبا یکی از مشکل‌ترین‌ها بود. سختی هم مربوط به مسایل فنی نبود و بیشتر به مشکلاتی برمی‌گشت که از سوی شورای نظارت و ارزشیابی و تماشاخانه برای مجوز ایجاد می‌شد. یکی دو هفته به دلایلی که فکر می‌کنم برای خود شما هم مشخص نیست نمایش با تاخیر به صحنه رفت. در صورتی که ایوانف متنی نبود که این قدر بازبینی‌شود.

همیشه تصورم این بود و به شوخی هم به دوستانم می‌گفتم که اگر وضعیت این‌قدر محدود شود که نتوانیم هیچ نمایشنامه‌ای را کار کنیم، سراغ چخوف می‌رویم. منتها این قضیه برعکس شد. هیچ‌کدام از نمایش‌هایی که من اجرا کردم این‌قدر دچار مشکل نشده بود. این سوال برای همه هم پیش آمد که مگر ایوانف مشکلی دارد؟ سوال گروه هم بود. متاسفانه جو ترس در هیات بازبینی به وجود آمده است که فکر می‌کنند انگار ما به‌عنوان هنرمند قرار است کلاهی سرشان بگذاریم و قرار است در هر نمایشی حرف خاصی را بگوییم که به چشم نمی‌آید. آنها هم مچ ما را می‌گیرند. این مچ‌گیری کاملا در یک فضای سوررئالیستی اتفاق می‌افتد. یک‌دفعه هیات بازبینی از نمایشنامه برداشت‌هایی می‌کند که کاملا در تناقض با اجرای نمایش است. متاسفانه این میانه عده‌ای از دوستان هم به این سوءتفاهم‌ها دامن زدند. ما دایم مجبور بودیم خودمان را توضیح دهیم. در صورتی که مشکلی که وجود دارد خیلی زیبایی‌شناسانه است. اصولا من نمایشنامه‌نویسی نیستم که بخواهم حرفم را از طریق دیالوگ بگویم و اصرار کنم که مضمون نمایش این دیالوگ است که اگر حذف شود نمایش من از بین می‌رود. معتقدم اگر یک طرف حرفی می‌زند باید طرف مقابل جوابش را بتواند بدهد. این چالش‌هاست که نمایش را جذاب می‌کند تا اینکه شخصیت‌ها حرف‌هایشان را به صورت مونولوگ و سخنرانی بگویند. چیزی که در بازبینی‌های ایوانف نصیب من شد این بود که کسانی که در این دو هفته بازبینی آمدند اجرا را دیدند، دچار توهم بودند که ایوانف قرار است چیزی را بگوید که آنها نمی‌فهمند. نگران این بودند که اگر یک عده‌ای از بیرون بیایند و آنچه آنها نفهمیدند را بفهمند چه کسی مسوولیتش را به گردن می‌گیرد؟ به خاطر همین هم این سوءتفاهم از شورای بازبینی منتقل شد به تماشاخانه ایرانشهر. هیچ‌کس هم مسوولیت قبول نمی‌کرد و گروه هم بلاتکلیف مانده بود. اتفاقی که در نهایت رخ داد این بود که یک عده ریش‌سفیدان تئاتر و کسانی که تحصیلکرده این رشته بودند آمدند کار را دیدند و برای هیات و مدیریت اینجا توضیح دادند که این کار حرف خاصی ندارد.

نکته جالب هم این است که هم مدیریت اینجا و هم دبیر شورای نظارت و بازبینی از تحصیلکردگان رشته تئاتر هستند که نمی‌شود گفت چخوف و ایوانف را نمی‌شناسند.

این قضیه در تئاتر خیلی پیش می‌آید. اتفاق کمدی که در این میان می‌افتد این است که با وجود مجوزی که توسط شورای نظارت به گروه داده می‌شود همه مسوولیت‌ها به گردن کارگردان است. یعنی اگر فردا در اجرا اتفاقی بیفتد هیاتی که مجوز داده هیچ مسوولیتی ندارد و این کارگردان است که باید پاسخگو باشد. همیشه هم توجیهشان این است زمانی که ما کار را دیدیم این نبود. کسی هم نمی‌تواند ثابت کند که چنین نبوده است. معضلی که وجود دارد، شانه خالی کردن هیات بازبینی از این موضوع است. من به رییس شورای نظارت هم گفتم مشکل شما این است که مسوولیت کاری را که به شما سپردند نمی‌خواهید قبول کنید. با وجود همه نقدهایی که ما به تلویزیون داریم، وقتی یک سریال پخش می‌کند حتی اگر رییس مجلس و نماینده‌های مردم و دیگران آن را نقد کنند و ایرادهایی بگیرند – خیلی‌ها هم نقدهای درستی است- پشت کار می‌ایستد و از کارگردان و عوامل حمایت می‌کند. مشکلی که ما در تئاتر داریم این است که شورای نظارت که پشت کار نمی‌ایستد هیچ، یک فهرستی هم در اختیار ما قرار داده بودند که اینها را نگویید. موقعی که می‌خواستیم دلیلش را بدانیم چون خیلی از آن کلمات در رادیو تلویزیون زیاد تکرار می‌شود، قبول نمی‌کردند. شما هم برای اینکه کارتان اجرا شود مجبورید آن را امضا کنید. مشکلی که وجود دارد این است که گروه و کارگردان سپر بلای مدیریت‌ها می‌شوند به این دلیل که مدیران می‌خواهند موقعیت و صندلی خودشان را حفظ کنند. گروه هم به دلیل زمان و هزینه‌ای که صرف‌شده می‌پذیرند. من به‌عنوان کارگردان باید جوابگوی کسانی باشم که سه ماه وقتشان را صرف این کار کرده‌اند. چاره‌ای هم ندارد؛ در این موقعیت هر کاغذی را جلوی‌تان بگذارند امضا می‌کنید. حتی اگر آن کاغذ این باشد که همه مسوولیت اجرا به گردن کارگردان است.

یعنی شما این کاغذ را امضا کردید؟

مثل خیلی از کارگردانان قبول کردم.

کار ممیزی هم شده است، چون مثلا تغییر دین آنا از یهودی به مسیحی را هیچ جای نمایش ندیدیم.

این هم از آن بخش‌هایی بود که با وجود آنکه هم در این نمایش و هم در نمایش چخوف به‌عنوان داستان‌های حاشیه‌ای است حذف شد. نکته جالب هم این بود که من گفتم آقای زنجانپور پنج یا شش سال پیش این نمایش را با این بخش به صحنه برده است الان چه اتفاقی افتاده؟ می‌گفتند نمایش شما باورپذیرتر است. حتی گاهی در مورد میزانسن‌ها هم به ما تذکر می‌دادند. در انتهایش هم می‌بینید که این اجرا بدون هیچ حاشیه‌ای پیش رفته است. با این همه اجرا شدن و اجرا نشدن این نمایش برای من به اندازه یک مو فاصله داشت.

گفت‌وگو با محسن دامادی کارگردان «خانواده ارنست»

فیلم‌های مستقل حمایت نمی‌شوند

شهرزاد همتی

شاید برای خیلی‌ها نام محسن دامادی با سریال تلویزیونی «شیخ بهایی» آشنا باشد. او پس از پروژه شیخ‌بهایی فیلم سینمایی «خانواده ارنست» را کارگردانی کرد که این روزها میان فیلم‌های پرفروش، اکران شده است و به دلیل اکران چرخشی و عدم سانس‌های مناسب نتوانست به فروش خوبی دست پیدا کند، با محسن دامادی در مورد شرایط اکران فیلم، کمبود بودجه برای ساخت آن و مشکلات حواشی «خانواده ارنست» گفت‌وگو انجام دادیم.

■■■

آقای دامادی چرا از زمان ساخت «خانواده ارنست» تا اکران آن حدود سه سال طول کشید؟

سه سال طول نکشید. این فیلم سال ۸۸ تولید شد. سال ۸۸ فیلمبرداری کردیم و کارهای پس از فیلمبرداری در سال ۸۹ انجام شد. چون در بخش خصوصی کار کردیم و مشکلات مادی زیادی داشتیم. از طرف هیچ نهاد و سازمان دولتی هم کمترین کمک مالی و وام هم نگرفتیم. اما مرکز گسترش در ساخت فیلم مشارکت کرد و درصدی از فیلم را برداشت. به هرحال اکران فیلم شرایطی دارد که برای فیلم «خانواده ارنست» مناسب نبود. این فیلم از جنس سینمای تجاری نبود، از به اصطلاح ستاره‌های سینما هم نداشتیم. خانواده ارنست، فیلم ادب و هنر و معماری است و به این گناه نمی‌توانستیم به‌راحتی برایش اکران بگیریم، مدتی منتظر اکران سینمای خاص شدیم و در نهایت ناچار شدیم به این زمان اکران و لابه‌لای ۹ فیلم دیگر با پشتوانه‌های قوی و دولتی تن بدهیم. فیلم‌هایی با پشتوانه مالی بنیاد فارابی، حوزه هنری و شهرداری که بهترین سالن‌ها را داشتند. فیلم‌های بخش خصوصی در رقابت با توانِ مالی دولت شکست می‌خورند. اساسا این رقابت ناعادلانه است، ولی هست. اکران بسیار محدود است، با سه سانس گردشی خیلی به یک فیلم صدمه می‌زند. بیشترین اکران خانواده ارنست هم صبح بود. به هرحال مجبور بودیم زمانی فیلم را اکران کنیم و این اکران هم بسیار زیاد به ما صدمه زد و البته آن‌طور که از اخبار فروش‌ها معلوم است همه فیلم‌ها در حال ضرر دادن هستند؛ چه فیلم‌های میلیاردی و چه فیلم‌های میلیونی مثل فیلم ما. در واقع این ضرر متوجه همه سینماست و شاید شمردن همه دلایل شکست فیلم‌ها، مجالی بطلبد، ولی الان وقت گفتن آن نیست.

خب شما دو سال صبر کردید، یعنی نمی‌شد باز هم صبر کنید؟ و اینکه چرا اکران شما چرخشی باقی ماند؟

ما هرچه صبر می‌کردیم تولیدات بیشتری پشت صف می‌ماند و در هر زمان هم، بهترین سالن‌ها و سانس‌ها برای اکران به فیلم‌های کمدی و پرفروش داده می‌شود. به هر حال سینماداران حق دارند که از سرمایه خود بیشترین بهره را ببرند و هیچ گناهی متوجه آنان نیست. به هر حال اگر فیلم ما همین‌طور باقی می‌ماند، بیات‌تر و کهنه‌تر می‌شد. پس از دو هفته اکران که امروز تمام می‌شود، اگر سینمایی باز هم برای فیلم خانواده ارنست بماند، محبتی است که به این فیلم فرهنگی و مخاطبان آن شده. البته اگر باز هم در اکران بماند گردشی و با سانس‌های محدود خواهد بود.

شما فیلم سینمایی- هنری ساختید و اما دو بازیگر اصلی شما، بازیگرهای تلویزیون هستند که برای علاقه‌مندان سینما آشنا نیستند. شاید در میان ترافیک فیلم‌های نسبتا خوب سینما، تماشاگر ترجیح بدهد چهره‌های سینمایی را روی پرده ببیند. فکر نمی‌کنید همین مساله هم به شکست فیلم در گیشه کمک بکند؟

در انتخاب بازیگر چندین فاکتور وجود دارد، اینکه بازیگری که شما می‌خواهید در زمان فیلمبرداری بیکار باشد، دیگر اینکه اساسا علاقه‌مند باشد در این جنس فیلم ظاهر شود و سوم اینکه دستمزدی که مطالبه می‌کند با مقتضیات مالی فیلم بخواند. ما فیلم «خانواده ارنست» را با بودجه بسیار کمی ساختیم. بعضی از سینماگران سینما شاید معادل نیمی از این بودجه را برای دستمزدِ خودشان مطالبه کنند. بنده دلم می‌خواست بازیگری که برای این نقش‌ها می‌آید، موضوع فیلم را دوست داشته باشد و با جان و دل کار کند که هنرپیشه‌های این فیلم چنین بودند. مثلا آقای مشایخی با خواندن فیلمنامه گفتند که آن را دوست دارند و دل‌شان می‌خواهد برای گفتن این حرف‌ها و بازی در یک فیلم ملی همکاری کنند. خب، خیلی تفاوت دارد با نگاه بازیگری که کمی سودورزانه وارد فیلمی می‌شود و به آن صورت دل به فیلم نمی‌دهد. وقتی فیلمنامه را برای افراد می‌فرستادیم بازخوردهای آنها در برخورد با موضوع فیلم برایم بسیار مهم بود. خانم اسکندری هم نسبت به موضوع فیلم اظهارعلاقه کردند. من اصولا بازیگر را بازیگر می‌دانم منهای اینکه بیشتر در تلویزیون حضور دارد یا در سینما.

یعنی فکر نمی‌کنید ممکن است یکی از دلایل شکست فیلم، همین بازیگرها با قبول اینکه بازیگرهای بسیار خوبی هستند، باشد؟ فکر نمی‌کنید در شرایط فعلی شاید تماشاگر بخواهد روی پرده فیلم‌های پرستاره که این روزها کم هم نیستند، ببینند؟

البته سخن شما کاملا درست است. ولی فیلم راه آبی ابریشم هم با بازی ستاره‌هایی مثل آقای ارجمند، رادان، کیانیان و آهنگرانی فروش چندان موفقی ندارد. از سوی دیگر، اگر شما جمع هزینه‌های تولید فیلم و تبلیغ آن را با هم جمع کنید و از فروش آن کسر کنید، متوجه می‌شوید الان همه فیلم‌ها در شرایط خوبی نیستند. البته نکته‌ای که شما گفتید، کاملا درست است و مثلا فروش فیلم سعادت‌آباد، با ستارگانی که در کنار هم قرار گرفته‌اند، رابطه دارد و علاقه‌مندی تماشاگر را برای دیدن فیلم افزایش می‌دهد. اینکه این فیلم در گروه آزادی اکران شده، نیز تاثیر دارد، اینکه تبلیغات بهتری دارد هم موثر است. به هر حال مجموعه عناصری به فروش فیلم کمک می‌کند و کاملا قبول دارم که تماشاگری که برای هر هفته خود سهمِ دیدنِ یک فیلم گذاشته، هنگامی که واردِ پردیس سینمایی می‌شود و با اکران شش فیلم مواجه می‌شود، ترجیح می‌دهد فیلم پرستاره را ببیند.

فیلم‌های بخش خصوصی در رقابت با توانِ مالی دولت شکست می‌خورند. اساسا این رقابت ناعادلانه است، ولی هست. این اکران هم بسیار زیاد به ما صدمه زد و البته آن‌طور که از اخبار فروش‌ها معلوم است همه فیلم‌ها در حال ضرر دادن هستند؛ چه فیلم‌های میلیاردی و چه فیلم‌های میلیونی مثل فیلم ما

اسم «خانواده ارنست» برای خیلی‌ها خاطره‌انگیز و غلط‌انداز است. حالا انتخاب این اسم ربطی به کارتون کودکی‌ها داشت؟ یعنی گذاشتن نام ارنست روی آن شخصیت تقریبا خیالی، بی‌هدف بود یا منظور خاصی داشتید؟

ارنست این فیلم خیالی نیست. او شخصیتی واقعی بوده با نام ارنست هولستر که در اصفهان در دوره قاجاریه حضور داشته و برای یک کمپانی انگلیسی کار می‌کرده. زمانی که فیلمنامه‌نویس برای فیلمش اسمی انتخاب می‌کند یا من این‌طور هستم که از همان ابتدا نام فیلم حسی برایم حسی ایجاد می‌کند که با آن اخت می‌شوم. شاید در انتخاب نام این فیلم، من هم از آن کارتون یادهایی داشته‌ام که ناخواسته این شبیه‌سازی روی ذهنم اثر گذاشته. البته این نام به جای اینکه به نفع فیلم تمام شود، بیشتر به ضرر آن تمام شد، برایم عجیب است عده‌ای گفته‌اند ما برای دیدن کارتون خانواده دکتر ارنست به سینما رفتیم و دیدیم فیلم دیگری است. حالا اینکه چه‌طور فکر می‌کنند آقای مشایخی و خانم اسکندری به کارتون خانواده دکتر ارنست ربط دارند، نمی‌دانم. آیا اساسا در سینمای ایران می‌تواند فیلمی ساخته شود که کارتون تلویزیونی را بازسازی کند؟

چه‌قدر خودتان را در نشان دادن نمادهای ایرانی در فیلم موفق می‌دانید؟

به نظرم به طور کلی باید با این دید با اصفهان برخورد کرد که به روایتِ تاریخ، این شهر نماد تمام ایران و شکوه ایران است. دولت صفوی دولتی مقتدر بود که توانست در ایران یکپارچگی و حکومت واحد به وجود بیاورد؛ و با حمایت از هنرمندان، آنچنان معماری باشکوهی که پروفسور پوپ آمریکایی می‌آید و جلو آن سجده می‌کند و آرزو می‌کند که در این شهر دفن شود. اینها بیشتر از دید خارجی‌ها دیده می‌شود ولی ما ایرانی‌ها کمتر به آن توجه می‌کنیم. من خیلی دلم می‌سوخت می‌دیدم مردم با میخ روی سی‌وسه‌پل یادگاری می‌نوشتند یا توجهی به بناهای ۴۰۰ ساله این شهر ندارند. ولی توریستی می‌آید و ساعت‌ها از کاشی‌کاری مسجد شیخ لطف‌الله فیلم و عکس می‌گیرد. به هرحال این بناها از ایرانی‌ها خالی است. گاهی لازم است کسی به ما یک تکان ذهنی بدهد. البته من هیچ ادعایی در این زمینه ندارم، ولی برای نسل جدید احساس وظیفه می‌کردم. بیشتر جوان‌ها خیلی دور شده‌اند از ایران، وقتی از چندین جوان پرسیدم این خیابان دکتر فاطمی که محل گذر شماست، دکتر فاطمی کی بوده و چه کرده؟ و اگر پاسخ سکوت نبود، جواب‌های عجیبی می‌شنیدم و واقعا برایم ناراحت‌کننده بود. دلم می‌خواست کاری برای هنر ایرانی کرده باشم. دلم می‌خواست یک یادآوری کوچک از تاریخ، مدنیت، هنر و فرهنگ‌مان باشد، احساس می‌کردم باید این موضوع را گفت. در تلاطمات اجتماعی که در ایران رخ می‌دهد همه از خودشان و منافع‌شان می‌گویند و عنصر غایب وطنِ ما، ایران است. اینها باعث شد «خانواده ارنست» را بنویسم و بسازم و البته به تهیه‌کننده تحمیل نکردم. دنبالِ کسی بودم که فیلم را دوست داشته باشد و آقای طباطبایی‌پور بعد از خواندن فیلم‌نامه آن را دوست داشتند و با هم این فیلم را ساختیم.

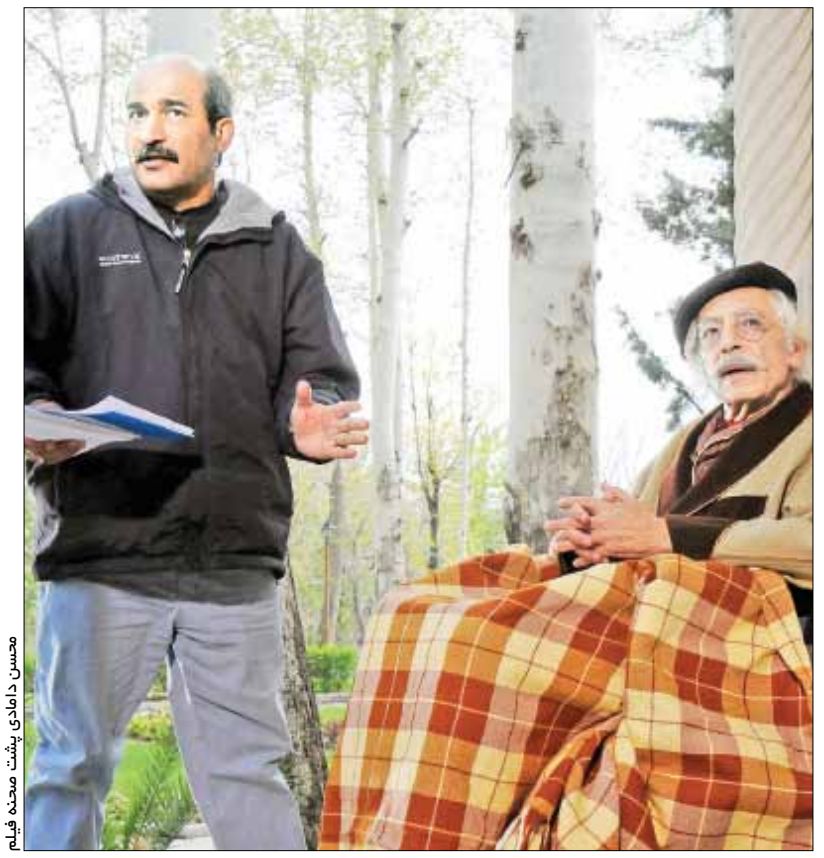

محسن دامادی پشت صحنه فیلم

ما از بابت ساخت فیلم متضرر نیستیم، اما از بابت اینکه سرمایه‌مان برنگشته، متضرر شده‌ایم.

آیا بازیگرهایتان توانستند از پس نقش‌های سینمایی بربیایند؟

من می‌بینم آنها نهایت تلاش‌شان را کرده‌اند. بازیگرانِ این فیلم، هم پشتوانه تئاتر و هم پشتوانه سینما دارند. مسن‌ترها از بازیگران برجسته تئاتر هستند و جوان‌ترها هم کوشش خود را کردند که با فیلم هماهنگ باشند و من از نتیجه زحمتِ آنها راضی هستم. خانم اسکندری امسال در جشنواره بین‌المللی کیش برای این فیلم نامزد بهترین بازیگر زن نقش اول شدند. البته قطع به یقین اگر ما یک‌پنجم بودجه بعضی فیلم‌ها را داشتیم و فیلم را با حوصله و صرف زمان بیشتری می‌ساختیم، قطعا فیلم بهتر می‌شد. من می‌توانم با بودجه‌ای بیشتر فیلمی بهتر بسازم، تردید ندارم، ولی بعید می‌دانم بعضی دوستان بتوانند با بودجه این فیلم آن هم تولید در دو شهر، بتوانند فیلمی مانندِ خانواده ارنست بسازند که داستانِ خود را خوب، آبرومندانه و شرافتمندانه تعریف می‌کند.

گلایه‌های شما از وضعیت اکران، از کمک مالی در همین صحبت کوتاه مشهود بود... .

من هیچ وقت برای اکران گلایه نکردم.

چرا نکردید؟ مگر این حق شما نیست؟

الان فیلم‌هایی که با بودجه بسیار کلان ساخته شده‌اند و تبلیغات کلان و وسیع دارند، در چندین ماه و سال فیلمبرداری کرده‌اند، در گروه هستند و تمام سانس‌ها را در اختیار دارند، مشغول گلایه هستند، من گفتم در این شرایط بهتر است سکوت کنم. چند وقت پیش هم در مقاله‌ای که منتشر کردم نوشتم شاید آنها می‌خواهند شرایطی شبیه به اکران خانواده ارنست داشته باشند، یعنی سانس‌های گردشی، اکران محدود و... ولی تنها یک گلایه آن هم پیش از اکران فیلم داشتم که مربوط به بعضی اخبار رسانه‌ها بود که موجبِ پیش‌داوری تماشاچی می‌شود و اتفاق خوبی نیست. مثلا نوشتند گفتنی است که این فیلم سفارشی است. برای فیلمی که ۵۰ هزار تومان کمک هم دریافت نکرده، این جور پیش‌داوری‌های پیش از اکران، ضربه‌زننده است.

حمایت‌ها از سینمای مستقل به چه نحو است؟

نمی‌دانم ولی مثالی برایتان می‌زنم، شاید جواب سوال شما در آن باشد. همزمان با طرح فیلمنامه خانواده ارنست در بنیاد فارابی، فیلمنامه «ملک سلیمان» هم مطرح بود که با حمایت چشمگیر مدیرعامل وقت مواجه شد و آن‌طور که شنیده‌ام بیش از پنج میلیارد تومان برای آن فیلم هزینه شد. اما به فیلم ما با وجود اینکه از فیلمنامه استقبال شده بود، هیچ کمکی نشد. من مخالفتی با ساخته شدن فیلم ملک سلیمان ندارم، ولی شاید عقل حکم کند، به فیلمی که در این بلبشوی فرهنگی، از ایرانِ معاصر و دشمنی‌های دیرینه سیاست‌بازان انگلیسی می‌گوید چقدر باید کمک شود؟ شما از همین مثال کوچک مقایسه بفرمایید، ببینید سینمایی که اسم مستقل دارد تا چه حد حمایت می‌شود؟

توصیه

مرجان ریاحی داور جشنواره «فیل طلایی» حیدرآباد

■ مرجان ریاحی به عنوان یکی از اعضای هیات داوران هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان «فیل طلایی» به هند سفر می‌کند. جشنواره «فیل طلایی» که یکی از معتبرترین جشنواره‌های کودکان جهان است، هر دو سال یک‌بار در چندین بخش فیلم‌های کودکان فیلمساز و فیلم‌هایی درباره کودکان را به رقابت می‌گذارد. مرجان ریاحی مستندساز و مدیر «پایگاه خبری فیلم کوتاه» به عنوان یکی از اعضای هیات داوران بخش اصلی در جشنواره حاضر می‌شود و به قضاوت آثار می‌پردازد. هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان «فیل طلایی» ۱۴ تا ۲۰ نوامبر در شهر حیدرآباد هند برگزار می‌شود.

دروغ ممنوع ساخته شد

■ فیلمبرداری فیلم «دروغ ممنوع» اولین تجربه کارگردانی جمیله دارالشفایی به پایان رسید. دارالشفایی این فیلم را بر اساس فیلمنامه‌ای از خودش ساخته است. او تا به حال به فیلمنامه‌نویسی و روزنامه‌نگاری در حوزه سینما مشغول بوده است. فیلمبرداری این فیلم که ۸۰درصد آن در شب می‌گذرد، بر عهده پیمان شادمان‌فر بوده است. «بابک حمیدیان» و «الهام کردا» بازیگر نقش زن و مردی هستند که یک شب پرتنش را پشت سر می‌گذارند. طراح صحنه و لباس این فیلم غزاله معتمد، دستیار و برنامه‌ریز نسیم نجفی و مدیر تولید آن فرهاد دلارام است. دروغ ممنوع توسط سعید شاهسواری تدوین می‌شود. جمیله دارالشفایی پیش از این فیلمنامه فیلم‌های ساعت گیج زمان (فرزاد موتمن) و ربات (مهرداد خوشبخت) را نوشته است.

بیخود و بی‌جهت ساخته می‌شود

■ تازه‌ترین اثر سینمایی عبدالرضا کاهانی با عنوان «بیخود و بی‌جهت» ساخته می‌شود. این پروژه سینمایی داستانی درونمایه اجتماعی دارد در یک لوکیشن و یک روز می‌گذرد اما زمان پیش‌بینی‌شده برای فیلمبرداری اثر یک ماه تا ۴۵ روز است. احمد مهرانفر، رضا عطاران، پانته‌آ بهرام و نگار جواهریان از بازیگران این فیلم هستند و مهران احمدی هم این بار به جای بازیگر در مدیریت تولید همراه گروه است.

جدول ۱۳۶۷

افقی:

۱- آهنگ موسیقی دراماتیک در موضوعی مذهبی- برهنگی ۲- از اخلاط چهارگانه- تازه به مکنت رسیده- قلمه درخت ۳- از کشورهای جدا شده شوروی سابق- دلتنگ- پیشرفته و مدرن ۴- از الفبای انگلیسی- زادگاه نیما- حرف نازی‌ها- شهر ایتالیا ۵- شعبه‌ای از نژاد هند و اروپایی- فدراسیون شنا ۶- پراکنده کردن- آزمایش لباس- نام قدیم کوی نصر تهران ۷- مارال- وترها- عنصر فلزی شماره ۷۵ جدول تناوبی ۸- رونده- رسانه پرحرف- جزیره ۹- شماره پرونده- پایدار، همیشگی- از حروف الفبا ۱۰- جمع شیخ- پول خرد اسپانیا- قطعه الکترونیکی ۱۱- سخن چین- سرکرده ۱۲- هنرپیشه مرد- خط‌کش مهندسی- آلوی کوهی- از حروف مقطعه قرآن ۱۳- ماه میلادی- خادم کلیسا- پرده دری ۱۴- صدای افتادن چیزی بر زمین- روز ۲۸ از ماه شمسی- مایه عذاب و دردسر ۱۵- پیرو دین اسلام- اثر فالکنر

عمودی:

۱- درست کردن- شهر آذری – نقیض رفتم۲- من حرکت کردم- درخت جوان- مجموعه پلات‌های مختلف ۳- نوعی یقه- متلاشی شده- گل تازه ۴- از شهرهای هند- ازتوابع مثلثاتی ۵- راه آذری- سخنور و شاعر نابینای یونان- به‌دنیا آوردن ۶- از باشگاه‌های فرانسوی- نقاش قدیمی- دوش و کتف- قدر ومرتبه ۷- روز عرب- گل آفتاب‌پرست- تمام‌کننده ۸- جمع وکیل- مجبور شده- نام یک مصدر ۹- پیامبرخوش سیما- سبزی خورشتی- کیف سفری ۱۰- شیرین است- نیمی از یگان- سرگشته- تصدیق روسی ۱۱- راه میانبر- از لبنیات- پرستار کودک ۱۲- بیگانه- گیاه خاردار که در مناطق گرمسیر می‌روید ۱۳- تابناک‌تر- سد آذربایجان شرقی- سرپیچی کردن ۱۴- محل سکونت- سفید بیگانه- همسایه دهگان ۱۵- اتحادیه ترابری هوایی- به تدریج- ابزار، آلت

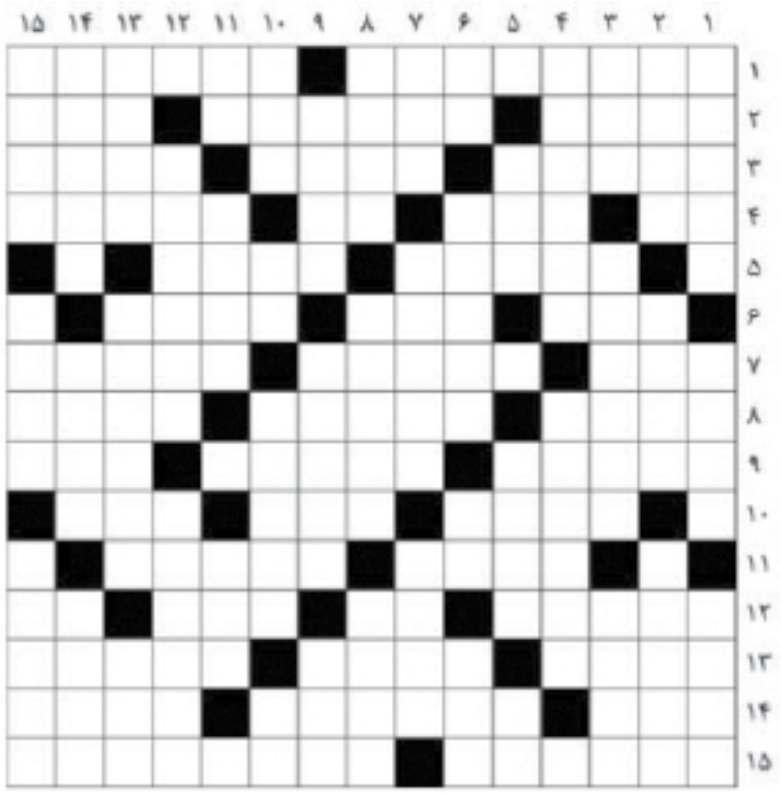

حل جدول ۱۳۶۶

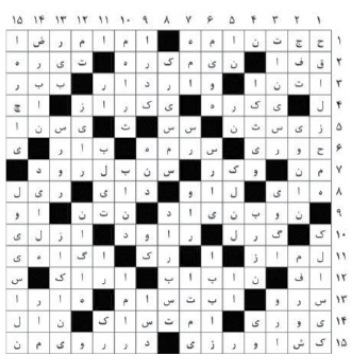

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۷۰

۲		۳		۷			۱	۴
۴					۶	۸		۹
۹	۱	۸	۵					
۳	۸	۴	۶	۲	۵			۷
		۷			۱	۲	۶	۳
۱		۶		۹	۳	۴		
۷			۴	۵				۱
	۵					۳		۲
۶	۴			۸		۹		

حل سودوکو ۳۶۹

۲	۴	۸	۹	۷	۳	۶	۱	۵
۹	۳	۶	۱	۵	۴	۷	۲	۸
۷	۱	۵	۸	۲	۶	۹	۴	۳
۴	۸	۹	۳	۶	۱	۲	۵	۷
۵	۶	۲	۴	۹	۷	۸	۳	۱
۱	۷	۳	۲	۸	۵	۴	۹	۶
۸	۲	۱	۷	۳	۹	۵	۶	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۸	۳	۷	۲
۳	۵	۷	۶	۴	۲	۱	۸	۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۲۰

۲	۴	۸	۹					۵
۹	۳			۵		۷		
	۱		۸				۴	
						۲	۵	۷
۵			۴					
			۲			۴		۶
		۱			۹		۶	
۶				۱		۳		
		۷				۱		۹

حل سودوکو سخت

۶	۱	۲	۷	۸	۳	۹	۴	۵
۷	۴	۸	۹	۶	۲	۵	۱	۳
۹	۵	۳	۴	۱	۵	۷	۶	۲
۳	۸	۹	۶	۲	۴	۱	۷	۴
۴	۶	۱	۲	۵	۷	۳	۸	۹
۲	۷	۵	۳	۹	۱	۶	۲	۸
۸	۲	۶	۵	۴	۹	۷	۳	۱
۱	۹	۴	۸	۷	۶	۲	۵	۳
۵	۳	۷	۱	۲	۸	۴	۹	۶